

خبر
تمجد برنده نوبل ادبیات از سریال «چرنوبیل»
<div></div> <div></div> <div>CHERNOBYL</div>
«سولانا الکسیویچ» نویسنده برنده نوبل که بخش عمده‌ای از سریال «چرنوبیل» الهام‌گرفته از کتاب اوست معتقد است این سریال پنج‌قسمتی درک افراد را درباره حادثه چرنوبیل به کلی تغییر داده‌است. به گزارش ایسنا، «سولانا الکسیویچ» نویسنده ۷۱ ساله اهل بلاروس که در سال ۲۰۱۵ موفق به کسب جایزه نوبل ادبیات شد در گفت‌وگو با سرویس رادیو اروپا اظهار کرد که شبکه «HBO» آمریکا برای ساخت سریال «چرنوبیل» بر اساس کتاب «صداهایی از چرنوبیل» به سراغ او آمده‌اما او پیشنهاد آن‌ها را نپذیرفته‌است. با این وجود، سریال پنج‌قسمتی «چرنوبیل» که فاجعه تأسفبار اتمی در نیروگاه چرنوبیل اوکراین در سال ۱۹۸۶ را به تصویر می‌کشد مورد توجه فراوان قرار گرفته‌است و «الکسیویچ» نیز از این قاعده مستثنا نیست.
«الکسیویچ» درباره این سریال می‌گوید: واقعاً ما تحت تأثیر قرار داد و اثر بسیار قدرتمندی‌ است. چیزی در زیبایی‌شناسی آن وجود دارد که خودآگاه مدرن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این سریال، ترس، استدلال و زیبایی هر کدام به اندازه‌ای وجود دارد. او همچنین می‌گوید بلاروسی‌هایی که در نتیجه انفجار بزرگ راکتور شماره ۴ در ۲۶ آوریل ۱۹۶۸ صدمه زیادی دیدند حالا با دیدن این سریال به خوبی به عمق فاجعه پی می‌برند. این سریال موجب شده درک بلاروسی‌ها نیز از این تراژدی به طور کلی تغییر کند.
این نویسنده برنده نوبل در بخش دیگری از صحبت‌هایش از «بوهان رنک» کارگردان سوئدی این مینی‌سریال به‌سبب انتخاب‌هایش و آگاهی کامل از محیط پیرامون تمجد کرده‌ است.
«کریگ مازن» نویسنده فیلمنامه و تهیه‌کننده مینی‌سریال «چرنوبیل» نیز کتاب «صداهایی از چرنوبیل» نوشته «سولانا الکسیویچ» را ستایش کرده و می‌گوید: حقایق تاریخی و علمی فراوانی را از منابع مختلف برای این پروژه استخراج کردیم اما کتاب «صداهایی از چرنوبیل» اثری بود که همیشه برای پیدا کردن زیبایی و اندوه به آن بازمی‌گشتم.
بخش‌هایی از سریال «چرنوبیل» به طور مستقیم برگرفته از کتاب «صداهای از چرنوبیل» است که همین امر موجب شده «الکسیویچ» درباره رعایت کپی‌رایت اثرش با تولیدکنندگان این مینی‌سریال تماس بگیرد. «الکسیویچ» می‌گویددر ابتدا احتی‌رسانه‌های روسی نیز باخود بسیار مثبتی به سریال نشان دادند و پس از آن احتمالاً به دستور کرملین، ناگهان رویکرد بسیار میهن‌پرستانه‌ای اتخاذ کردند. این خبر را هم شنیدم که روسیه قصد دارد سریال خود را براساس حادثه «چرنوبیل» بسازد و در آن به موضوع تعقیب جاسوسان آمریکایی در نیروگاه هسته‌ای می‌پردازد.
قسمت نخست سریال «چرنوبیل» که روایتگر فاجعه هسته‌ای ۱۹۸۶ در اوکراین و تلاش‌های بی‌سابقه برای پاک‌سازی آن است در تاریخ ۶ می ۲۰۱۹ رونمایی شد و پس از آن با ترتیب در ۱۳، ۲۷ و ۲۷ می قسمت‌های دوم تا چهارم آن از سوی شبکه «HBO» منتشر شد. قسمت پنجم و نهایی این سریال نیز در تاریخ سوم ژوئن (۱۳ خرداد) عرضه شد.

نیما جاویدی بعد از پنج سال از ساخت فیلم ملیورن و موفقیت‌هایی که این فیلم برای او داشت، فیلم سینمایی سرخپوست را کارگردانی کرده‌است. این فیلم در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و به فروش خوبی هم رسیده‌است. در ادامه گفت‌وگوی ایلنا با نیما جاویدی کارگردان این فیلم را می‌خوانید.

● معمولا کارگردان‌های جوان که فیلم اولشان با موفقیت همراه می‌شود علاقه دارند تا اثر دوم خود را به سرعت بسازند چرا بین دو فیلم شما پنج سال فاصله افتاد؟

◀ بخشی از این فاصله به دلیل سفرهایی بود که برای فیلم ملیورن و همچنین سایر کارهایم باید انجام می‌دادم و بعد از این سفرها نیز تصمیم گرفتم یک فرصت مطالعاتی برای خودم در نظر بگیرم و معتقد بودم باید کمی روی معرفت و انباشت اطلاعات خودم کار کنم و بعد فیلم جدیدم را بسازم. البته بعد از موفقیت‌هایی که برای فیلمنامه ملیورن رخ داد کمی وسواس نیز پیدا کرده بودم در طی این مدت یک فیلمنامه‌ای نوشتم که هزینه زیادی برای ساخت نیاز داشت و بعد فیلمنامه سرخپوست را نوشتم. ● داستان سرخپوست واقعی‌است؟

◀ خیر، اما ایده اصلی از خبری که در خبرگزاری‌ها دیده‌ام آمده و آن خبر این بود که چند سال پیش فرودگاه یاسوج برای توسعه خود نیاز داشت تا زندان کناری این فرودگاه تخریب شود اما مسئولان زندان این مسئله را نمی‌پذیرفتند و این داستان و مجادله فکر کنم تا امروز نیز ادامه دارد. بعد از شنیدن این خبر طرح فیلمنامه‌ای را نوشتم و در گوشه‌ای از ذهنم آن را نگه داشتم تا پخته شود و در طول این مدت فیلمنامه به مرور کامل شد.

● یکی از مسائلی که شما هم در ملیورن و هم در سرخپوست به آن توجه کرده‌اید بحث وجدان و مسئولیت‌پذیری‌ است و در هر دو فیلم ما با معضل مسئولیت‌پذیر بودن و مسئولیت‌پذیر نبودن آدم‌ها طرف هستیم؟

◀ واقعیت این است که یکی از جنبه‌های زندگی انسانی مسئولیت‌پذیری‌ است و از زمانی که یک فرد بالغ می‌شود و قدرت تمیز پیدا می‌کند باید مسئولیت‌های مختلف را قبول کند و دایره این مسئولیت‌پذیری از خودش تا اطرافیان و جامعه وسعت دارد. بخشی از این مسئولیت‌پذیری مانند آنچه که ما در قبال خانواده و فرزندان‌مان داریم امری شخصی‌ است و شاید از ارزش کمتری برخوردار باشد اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی امری بسیار مهم و ارزشمند است متأسفانه امروز در جامعه ما مسئولیت‌پذیری اجتماعی بسیار کاهش پیدا کرده و به نوعی یکی از نقاط ضعف جامعه ما کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی‌ است. ریشه کاهش این مسئولیت‌پذیری اجتماعی در منفعت‌طلبی‌ است یعنی ما منفعت‌طلبی و سود فردی خود را به سود جمعی ترجیح می‌دهیم و این ترجیح دادن از یک درگیری برای جای پارک تا بزرگ‌ترین مسائل کاملاً وجود دارد. ما امروز ابتدا به منافع خود فکر می‌کنیم و در خوش‌بینانه‌ترین حالت شاید منافع خانواده و فرزندان و یا دوستان خود را در نظر بگیریم و اصطلاحاً پیش خود می‌گوییم سود و زیان دیگران به ما چه ارتباطی دارد. مقابل صدارزشی به نام منفعت‌طلبی، ارزش به نام فداکاری وجود دارد که در گذشته نه چندان دور این ارزش بسیار پررنگ بود و ما نمونه بارز جامعه‌ای فداکار را می‌توانیم در زمان جنگ هشت ساله با عراق شاهد باشیم. البته برای کشف ریشه‌های تغییر رفتار ما در جامعه و حرکت به سمت منفعت‌طلبی باید کار کارشناسی و جامعه‌شناسی بزرگی صورت بگیرد، اما آنچه مشخص است این است که ما در گذشته نه چندان دور افراد فداکارتری نسبت به امروز بودیم. ● بر اساس آنچه که در فیلم وجود دارد

نیما جاویدی، کارگردان «سرخپوست»:

ریشه‌کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سال‌های اخیر منفعت‌طلبی‌ است

نیما جاویدی معتقد است شکل توسعه‌ای که در کشور ما در طول سال‌ها به آن عمل شد باعث شد تا منفعت‌طلبی و کسب سود بیشتر جایگزین ارزش‌های دیگری بشود و همین مسئله بی‌تفاوتی در قبال تغییرات و اتفاقات جامعه را به دنبال داشت.



متأسفانه شکل

توسعه‌ای که

در کشور ما در

طول سال‌ها به

آن عمل شد

باعث شد تا

منفعت‌طلبی

و کسب سود

بیشتر جایگزین

ارزش‌های

دیگری بشود

دوست داشتن، محبت، در چنین جامعه‌ای چگونه می‌شود زیرا در فیلم می‌بینیم که یکی از شخصیت‌ها ابتدا از این حربه برای فریب طرف مقابل استفاده می‌کند؟

◀ ورود منفعت‌طلبی به هر عرصه‌ای ماهیت آن را تغییر می‌دهد و عشق نیز از این مسئله مصون نیست ذات عشق با صداقت همراه است و ما در منفعت‌طلبی صداقتی نمی‌بینیم و وقتی منفعت‌طلبی وارد رابطه عاشقانه می‌شود عشق از آن رابطه خارج می‌شود.

● فیلم در یک مقطع تاریخی معاصر در دهه ۴۰ می‌گذرد و این پتانسیل را دارد که وارد مسائل سیاسی یک زمان بشود ولی وارد هیچ تحلیل سیاسی نمی‌شود؟

◀ معتقدم هر چیزی که یک اثر هنری را تاریخ‌مصرف‌دار کند به آن اثر لطمه زده البته که باید مشخص باشد یک اثر در چه زمان و مکانی روایت می‌شود البته ساخت فیلم سیاسی و دیدن یک فیلم سیاسی جزو علاقه‌مندی‌های من نیست و علاقه دارم همیشه که به یک مسئله انسانی صرف در فیلم‌ها بپردازم. البته آنچه که درباره زندانی‌ها در شهرستان‌ها می‌دانیم عموماً همان چیزی است که در فیلم وجود دارد.

● برخی افراد و مخاطبان معتقدند که پایان‌بندی فیلم به کلیت داستان و به خصوص شخصیت رئیس زندان (نوید محمدرزاده) هماهنگ نیست و انتقاداتی به این مسئله شده‌ است؟

◀ از نظر خودم به عنوان سازنده اثر معتقدم نقاط و دلایل تحول شخصیت در فیلم وجود دارد اما در نمایش‌های آزمایشی که برای فیلم گذاشتیم و همچنین اکران‌هایی که با مردم فیلم را تماشا کردیم حدود ۱۵ درصد از مخاطبان دوست داشتند پایان فیلم به گونه‌ای دیگر باشد

بعد از بررسی مجدد متوجه شدم از آنجا که نگاه خود من در دادن اطلاعات در فیلم یک نگاه مینی‌مالیستی است و اطلاعات کمی می‌دهم برخی مخاطبان متوجه این اطلاعات نشدند و به همین دلیل پایان آن را قبول نکردند. البته برخی مخاطبان و حتی منتقدان که فیلم را دوباره تماشا کردند پایان فعلی را قبول کردند هر چند وقتی به گروهی از مخاطبان و منتقدان می‌گویم که به جای پایان‌بندی فعلی چه نوع پایان‌بندی برای فیلم باید اختصاص بدهیم پاسخ روشنی نمی‌دهند و برای این فیلم نیز نمی‌شد پایان باز انتخاب کرد زیرا مخاطب باید پاسخ سوال خود را بگیرد و از این منظر کنش شخصیت اصلی در پایان فیلم کاملاً درست است، اما به نظر مخالفان نیز احترام می‌گذارم و معتقدم بخشی از مخالفت‌ها تابع سلیقه است.

● یکی از ویژگی‌های فیلم سرخپوست حضور بازیگران حرفه‌ای در نقش‌های بسیار کوتاه است، آیا نگران این نبودید که این میزان حضور بر دیده شدن نقش اصلی تأثیر بگذارد؟

◀ نگرانی که وجود نداشت اما یکی از دلایل انتخاب بازیگران حرفه‌ای برای نقش‌های اصلی این است که ما این فیلم را برای طیف گسترده‌ای از مخاطب ساخته بودیم قصد داشتیم که فیلم به فروش خوبی نیز برسد و قطعا یکی از دلایلی که مخاطبان برای تماشای این فیلم در اکران عمومی و اصلی انتخاب می‌کنند بازیگران آنهاست. شاید به سختی به جای برخی بازیگران مانند ستاره پسیانی می‌توانستیم از بازیگران بومی انتخاب کنیم اما معتقدم نتیجه چیزی نمی‌شد که الان شده و ستاره پسیانی به خوبی نقش یکن بلوچ را ایفا کرد و کاملاً از بازی او راضی هستم. همکاری با حبیب رضایی، مانی حقیقی و آنیلا پسیانی نیز بسیار رضایت‌بخش بود.

توقف تصویربرداری سریال کیاتوش عیاری

بودجه باز هم مسئله‌ساز شد



تصویربرداری سریال تلویزیونی «۸۷ متر» به کارگردانی کیاتوش عیاری حدود ۳۶ روز است به دلیل مشکلات مالی متوقف مانده‌است. به گزارش مهر، سریال «۸۷ متر» به کارگردانی کیاتوش عیاری که قرار بود امسال به پایان تصویربرداری برسد، حدود یک ماه است که تولیدش متوقف مانده‌است.

تصویربرداری این سریال چندی پیش در خیابان ۱۵ خرداد انجام شد و بعد از آن تقریباً متوقف ماند. اکنون حدود ۳۶ روز است که این سریال به دلیل مشکلات مالی متوقف مانده‌است و بازیگران و دیگر عوامل سر صحنه نمی‌روند. داستان «۸۷ متر» به اختلاف و درگیری دو خانواده خلیلی و پوردورانی بر سر مالکیت یک منزل، برمی‌گردد. علیرضا پوردورانی به همراه همسر، دو دختر و پسرش، خانه‌ای را از یک فروشنده به نام فرح ناصری خریداری می‌کنند اما روز اسباب‌کشی متوجه می‌شوند که خانه به فرد دیگری به نام محسن خلیلی فروخته شده‌است. مجموعه تلویزیونی «۸۷ متر» کاری از گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما است که در ۴۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای در سیمافیلیم در دست تولید است و برنامه‌ریزی شده سال ۹۸ روانه آنتن شود.

«آب» سوژه شد

انیمیشن «همیشه گمشده‌ای هست» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی مسعود صفری، به موضوع داستان آب می‌پردازد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابطعمومی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، پس از طراحی کاراکترها و استوری‌بورد و ساخت دکور «همیشه گمشده‌ای هست»، فیلمبرداری این انیمیشن کوتاه آغاز شد. در خلاصه داستان این انیمیشن ۸ دقیقه‌ای آمده‌ است: «آب نیاز حیاتی ساکنین صخره است و تنها منبع آب در تسخیر مرد لجنی است. با کشته شدن سنجاقک به دست مرد لجنی که تنها واسطه‌ی بین مرد درختی با آب و حیات است، مرد درختی از خود بی‌خود می‌شود و خود را به مخاطره می‌اندازد. او مرد لجنی را از بین می‌برد تا راه آب باز شده و آب دوباره در جوی و روی صخره جریان پیدا کند…»

رویکرد مشاعره تلویزیون تغییر کرد

برنامه «مشاعره» با نام جدید «سرمایه جاودانه» از اول تیرماه از شبکه هفت سیما پخش می‌شود.

به گزارش ایسنا به نقل از روابطعمومی شبکه هفت سیما، این بار مسابقه «مشاعره» که تلاش می‌کند در جهت پاسداشت زبان ادبیات فارسی گام بردارد، با رویکرد شعار سال «روفق تولید) ویژه برنامه‌ای با نام «سرمایه جاودانه» از برای پخش در فصل تابستان تدارک دیده‌ است. این برنامه در فرم و محتوا به موضوع تبیین جایگاه کار و تلاش در شعر و فرهنگ ایرانی پرداخته‌است.

«سرمایه جاودانه» به تهیه‌کنندگی امیرحسین آذر و اجرای اسماعیل آذر از اول تیرماه چهار روز در هفته از شبکه هفت سیما پخش می‌شود.

آرش معیریان:

تلویزیون دچار افراط و تفریط است

یک قشر خاصی و طبقه خاصی از مردم از آن استقبال خواهند کرد و خیلی نمی‌توانیم بگوییم که یک کار عامیانه است که بخواهد از تلویزیون پخش شود.

این کارگردان در بخش پایانی گفت‌وگوی خود درباره ویژگی‌های فصل دوم «رالی ایرانی» که به تازگی در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود، اظهار کرد: مجموعه «رالی ایرانی» چیزی است که تا قبل از اینکه ما به سمت آن شرکت‌کنندگان بخش عمده‌ای از طراحی‌های تهیه‌کننده هم وجود ندارد. با توجه به اینکه جنس رئالیستی شو با رالی ایرانی آغاز شد و ادامه‌دار هم شد خوب توانسته بین مخاطبان جا بیفتد. تفاوت آن با کارهای دیگر که در نمایش خانگی شاهد هستیم این است که قصه و داستانی که در آن طراحی شده است به شکل فیلم در صفحه تلویزیون دیده می‌شود اما با این تفاوت که توسط تهیه‌کننده و کارگردان طراحی شده و در آن شرکت‌کنندگان بخش عمده‌ای از طراحی‌های تهیه‌کننده و کارگردان را نمی‌دانند و فقط سازندگان هستند که می‌دانند قرار است چه اتفاقی در مسابقه بیفتد. به همین دلیل بخش دوم ماجرا را خود شرکت‌کنندگان در قالب تیم‌هایی که هستند رقم می‌زنند و قصه را بازآفرینی می‌کنند.

ترغیب کند؛ یعنی ممیزها یک طرف، نگاه‌هایی که از زوایای مختلف به یک اثر تلویزیونی می‌شود یک طرف و بودجه و امکانات و زمان‌بندی یک پروژه نیز از طرف دیگر همه دست به دست هم می‌دهند که اتفاقی که باید و شاید به درستی نمی‌افتد.

این کارگردان درباره همکاری‌اش با تلویزیون و اینکه آیا قصد ندارد سریال بسازد؟ اظهار کرد: در حال حاضر برای ساخت دو- سه سریال گفت‌وگوهایی داشتم اما منظر هستیم که ببینیم چه تصمیمی گرفته می‌شود؛ البته تا زمانی که من پشت دوربین نرم و بازیگران را ببینم خیلی نمی‌توانم مطرح کنم که چه کاری قرار است ساخته شود.

معیریان در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود درباره ساخت رالی ایرانی و اینکه آیا ساخت این مسابقه در تلویزیون امکان‌پذیر نبود؟ اظهار کرد: تلویزیون به عنوان یک رسانه عمومی و ملی برخوردار از یک سری تعاریف، ضوابط و قوانینی در بخش است که من به آن احترام می‌گذارم و معتقدم که در هر صورت بخوابی کاری برای تلویزیون بسازی حتماً باید قوانین آن رسانه و مدیوم را به درستی رعایت کنی؛ بنابراین رالی ایرانی هم از آن جنس کارهایی است که شاید خیلی نتوانیم بگوییم که هر طیفی یا هر قشری نتوانند در صفحه تلویزیون به شکل عادی با آن ارتباط برقرار کنند. شکی نیست که